

The Effect of Sense of Security on Social Trust Among Citizens of Birjand¹

Foroozan Shamsi

MA in Social Sciences Research, University of Birjand, Birjand, Iran

Mohammad Bagher Akhondi²

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities,
University of Birjand, Birjand, Iran

Received: 7 September 2024 Revised: 9 December 2024 Accepted: 25 December 2024

Abstract

Social trust is one of the social phenomena that plays a vital role in social relationships. This study aims to explore social trust (personal, generalized, and institutional) among citizens of Birjand. The theoretical framework of the study draws on both Putnam's social capital theory and Buzan and Weaver's security theory. The main question is "What effect does the sense of security have on the social trust of the citizens of Birjand?" The research method is a survey, and the statistical population consists of all citizens aged 15 to 65 living in Birjand. A sample size of $n=384$ people was selected using a mixed sampling method. The findings suggest that 50.6% of Birjandi citizens have low social trust as opposed to the general public and political, economic, educational, religious, and public institutions. Overall, the level of social trust is below average, and a comparison of social trust indicators shows that the personal trust of the research sample is higher than generalized and institutional trust. The findings reveal that the sense of security and its three dimensions are positively correlated with social trust in the citizens of Birjand. The results suggest that there is a direct and significant relationship between the variables of gender, education level and marital status, and a negative and inverse relationship between age and social trust. On the other hand, no significant relationship was found between monthly income and social trust. Based on multiple

1. This paper is extracted from a master's thesis submitted by the first author to Birjand University.

2. Corresponding author. Email: akhondi@birjand.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Shamsi, F. and Akhondi, M. B. (2024). The Effect of Sense of Security on Social Trust Among Citizens of Birjand. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(4), 247-272. doi: 10.22067/social.2024.87531.1498

regression analysis, the determination coefficient of independent variables and institutional trust suggests that these variables can explain and predict about 37% of variations in study variables. Further, the determination coefficient of independent variables and generalized trust also show that about 46% of variations can be explained and predicted by the variables included in the model. Additionally, the path analysis shows that the first variable with the highest impact on social trust is "the sense of political security".

Keywords: Social Trust, Personal Trust, Generalized Trust, Institutional Trust, Sense of Security.



تأثیر احساس امنیت بر اعتماد اجتماعی در بین شهروندان شهر بیرجند^۱

فروزان شمس (کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران)

frozan.shamsi@birjand.ac.ir

محمدباقر آخوندی (استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران،

نویسنده مسئول)

akhondi@birjand.ac.ir

چکیده

اعتماد اجتماعی، از جمله پدیده‌های اجتماعی است که در روابط اجتماعی نقش حیاتی ایفا می‌کند؛ از این رو هدف این پژوهش تبیین اعتماد اجتماعی (بین شخصی، تعمیم یافته و نهادی) در میان شهروندان شهر بیرجند است. چارچوب نظری پژوهش، تلفیقی از نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و نظریه امنیت بوزان و ویور است. پرسش اصلی این پژوهش این است که احساس امنیت چه تأثیری بر اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند دارد؟ روش پژوهش پیمایشی است و کلیه شهروندان ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن شهر بیرجند جامعه آماری آن را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه ۳۸۴ نفر بوده که به روش نمونه‌گیری ترکیبی اجرا شده است. یافته‌ها، بیانگر آن است که ۵۰/۶ شهروندان بیرجندی اعتماد اجتماعی کمی نسبت به عموم مردم و نهادهای سیاسی، اقتصادی، آموزشی، مذهبی و عمومی دارند. در مجموع میزان اعتماد اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط است و مقایسه شاخص‌های اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که میزان اعتماد بین شخصی افراد نمونه تحقیق بیش‌تر از اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی است. یافته‌های تحقیق بیانگر همبستگی مثبت و معنادار بین احساس امنیت و ابعاد سه‌گانه آن با اعتماد اجتماعی در بین شهروندان شهر بیرجند است. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد بین متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات و وضعیت تأهل رابطه مستقیم و معنادار و بین سن با اعتماد اجتماعی رابطه منفی و معکوسی وجود دارد. از سوی دیگر بین درآمد ماهانه با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. براساس تحلیل رگرسیون چند متغیری ضریب تعیین، متغیرهای مستقل و اعتماد اجتماعی نهادی نشان می‌دهد که

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله در دانشگاه بیرجند است.

متغیرهای مزبور حدود ۳۷ درصد تغییرات آن را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند و ضریب تعیین متغیرهای مستقل و اعتماد تعمیم‌یافته نیز نشان می‌دهد حدود ۴۶ درصد تغییرات آن توسط متغیرهای وارد شده در مدل قابل تبیین و پیش‌بینی است. همچنین، براساس نتایج تحلیل مسیر اولین متغیری که بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی دارد «احساس امنیت سیاسی» است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، احساس امنیت.

۱. مقدمه

اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن ظن نسبت به سایرین تعریف کرد که موجب تسهیل تعامل اجتماعی می‌شود. گرچه اعتماد اجتماعی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی است؛ اما از نظر گیدنز، خود نیز به اعتماد بین‌شخصی، نهادی و تعمیم‌یافته تقسیم می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۰۴). از این رو اعتماد اجتماعی زمینه‌ساز همکاری و تمایل به تعامل بین افراد، گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. به همین دلیل نقش مؤثر در توسعه و پیشرفت جامعه ایفا می‌کند (زتومکا، ۱۳۸۴: ۷۱). در واقع زندگی انسان، بدون اعتماد اجتماعی تحمل‌ناپذیر و با از هم پاشیدگی روبه‌رو می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۳: ۷۱). بی‌اعتمادی، نظام ارزشی را دچار اختلال کرده، شرایط آسیب‌شناختی بر جامعه حاکم می‌کند (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۴۲). از این رو اعتماد نوعی راهبرد در شرایط ناایمن و نامطمئن و ریسکی است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۳). از عوامل زمینه‌ساز تضعیف اعتماد اجتماعی، احساس ناامنی و از دست دادن امید به دلیل تبعیض و عدم پاسخ به نیازهاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد استان خراسان جنوبی به‌عنوان، استانی مرزی و دور از مرکز جغرافیای کشور، پس از گذشت ۲۰ سال از تأسیس، هنوز از نظر توسعه و پیشرفت وضعیتی نامناسب و کمتر از حد انتظار دارد. در پژوهشی با موضوع تحلیل و تعیین اولویت‌های توسعه استان‌ها، استان خراسان جنوبی دارای رتبه بیست و نهم توسعه اجتماعی و جزء دسته استان‌های بسیار محروم از لحاظ برخورداری است (ملکی و شیخی، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۳). شهر بیرجند نیز به‌عنوان مرکز استان خراسان جنوبی توسعه درخور و شایسته‌ای نداشته است، به طوری که در نتایج پژوهش صورت گرفته در خصوص بررسی وضعیت رقابت‌پذیری اقتصادی شهرهای ایران، شهر بیرجند دارای رتبه بیست و نهم و در ردیف شهرهای کاملاً نابرخوردار معرفی گردیده است.

(نظم‌فر و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳). همچنین یافته‌های پیمایشی در شهر بیرجند، نشان می‌دهد ۴۳/۴٪ مردم بیرجند احساس بی‌عدالتی قانونی، ۴۶/۲٪ احساس بی‌عدالتی جنسیتی، ۴۵٪ احساس بی‌عدالتی محلی و ۶۶/۴۵٪ نیز احساس بی‌عدالتی توزیعی می‌کنند (توفیقی‌نیا، ۱۳۹۹: ۴). نتیجه این وضعیت این شده که تقریباً هیچ‌کدام از شهرستان‌های استان نه تنها توان جذب جمعیت جدید را ندارند؛ بلکه توان نگهداشت جمعیت موجود خود را نیز ندارند. بیشتر کسانی که در سازمان‌های اداری جذب می‌شوند و یا در بخش خصوصی به مرحله قابل اتکائی می‌رسند، به فکر انتقال به شهرهای بزرگ می‌افتند. حتی مردم بومی نیز به محض فراهم شدن شرایط در صدد مهاجرت بر می‌آیند. افرادی هم که در طول خدمت نتوانند یا نخواهند مهاجرت کنند، بعد از بازنشستگی از این کار صرف نظر نمی‌کنند. در دانشگاه‌های استان نیز هر سال تعداد زیادی از افراد صاحب تجربه و تخصص با ناامیدی از بهبود شرایط، استان را ترک و راهی شهرهای دیگر به‌ویژه تهران و مشهد می‌شوند. گاه دافعۀ استان به قدری قوی است که مصلحانی را که در صدد اصلاح محیط پیرامون خویش برآمده‌اند، خسته و مأیوس و پس از مدتی مجبور به ترک استان کرده است. حساسیت این موضوع زمانی افزوده می‌گردد که اعلام شود طبق آمارهای رسمی نرخ رشد جمعیت استان بر اثر کاهش نرخ ازدواج و افزایش طلاق، رو به کاهش است.

منطقه مرزی خراسان جنوبی به دلیل دوری از مرکز و طبیعت منزوی، زمینه‌ساز مشکلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی از جمله فقدان اشتغال، نبود درآمد کافی و عدم تأمین نیازهای اولیه گردیده است. نتیجه این نابرخورداری‌ها مداوم و مستمر، کاهش اعتماد اجتماعی، به‌ویژه اعتماد نهادی در استان بوده است. از آن جهت که ریشه بسیاری از مسائل اجتماعی استان را در بی‌اعتمادی موجود در مردم می‌توان پیدا کرد، مطالعه اعتماد اجتماعی در استان از ضرورت و اهمیت زیادی برخوردار است. آگاهی مسئولان و سیاست‌گذاران محلی از وضعیت اعتماد اجتماعی استان زمینه‌ساز کنترل و کاهش پیامدهای منفی بی‌اعتمادی و برنامه‌ریزی برای افزایش آن است. براین مبنا هدف اصلی این پژوهش تبیین اعتماد اجتماعی (بین شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی) شهروندان شهر بیرجند و تأثیر احساس امنیت بر آن است. براین اساس، سؤال اصلی

پژوهش عبارت است از: احساس امنیت چه تأثیری بر اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند دارد؟

۲. مبانی پژوهش

۲.۱. پیشینه پژوهش

امیری شیراز و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و اعتماد اجتماعی (مشتریان (مراجعین) تأمین اجتماعی استان گیلان)» به بررسی اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد کمی و به روش پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه مشتریان و مراجعه‌کنندگان به سازمان تأمین اجتماعی استان گیلان، حجم نمونه ۳۲۰ نفر و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است. یافته‌های مربوط به اعتماد اجتماعی مبین آن است که میزان اعتماد اجتماعی مشتریان تأمین اجتماعی استان گیلان در حد پایین ۴۲/۴ است. طبق نتایج به‌دست آمده؛ بین احساس امنیت اجتماعی و ابعاد چهارگانه آن (جانی، مالی، عاطفی، ارتباطی) با اعتماد اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد؛ در مجموع، متغیرهای مستقل انتخاب شده در این تحقیق، ۳۸/۵ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند. این مقاله به خوبی توانسته است، مبانی نظری منسجم و مناسبی را مورد استفاده قرار دهد و متغیرها را براساس هر نظریه استخراج کند. نقطه قوت دیگر این پژوهش استفاده از بررسی‌های تطبیقی در مورد هر فرضیه با نتایج تحقیقات پیشین است. مورد استفاده محقق از پژوهش مزبور، از یافته‌های این پژوهش در بخش نتیجه‌گیری به‌عنوان مقایسه‌های تطبیقی با نتایج است.

سیدزاده (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن بین مردم شهر زاهدان» به بررسی اعتماد اجتماعی پرداخته است. این پژوهش با رویکرد کمی و به روش پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن شهر زاهدان، حجم نمونه ۳۸۴ نفر و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. یافته‌های مربوط به اعتماد اجتماعی مبین آن است که میزان اعتماد اجتماعی مردم شهر زاهدان در حد پایین ۵۰/۳

است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و متغیرهای عضویت در گروه‌ها، جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و میزان درآمد وجود دارد. از سوی دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که بین متغیرهای بهره‌مندی از شبکه‌های حمایت اجتماعی، شیوه جامعه‌پذیری در خانواده و سن رابطه منفی و معکوسی وجود دارد. همچنین طبق یافته‌های تحقیق رابطه معناداری بین اعتماد اجتماعی و دین‌داری وجود ندارد؛ اما بین دو بعد آن یعنی بعد پیامدی و بعد مناسکی رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. با این حال بین اعتماد اجتماعی و متغیر میزان استفاده از رسانه‌های گروهی رابطه معناداری مشاهده نشده است. در مجموع، متغیرهای مستقل انتخاب‌شده در این تحقیق، ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته، یعنی اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند. این پایان‌نامه دارای چارچوب نظری قوی و منسجمی بوده که به خوبی توانسته متغیرها را استخراج، تفسیر و تبیین کند. مورد استفاده محقق از پژوهش مزبور، ایده گرفتن از قسمت نتیجه‌گیری خواهد بود.

یاری و هزارجریبی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)» به بررسی اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد کمی و به روش پیمایشی است. جامعه آماری آن کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمانشاه، حجم نمونه ۳۹۰ نفر و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف احساس امنیت (احساس امنیت اقتصادی، احساس امنیت سیاسی، احساس امنیت قضایی، احساس امنیت عمومی) با ابعاد اعتماد اجتماعی (اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد بنیادین) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که در این میان احساس امنیت اقتصادی با مقدار ۰/۵۴۲ بیشترین همبستگی را با اعتماد اجتماعی بین فردی نشان می‌دهد. علاوه بر این، تحلیل مسیر داده‌ها نشان می‌دهد که احساس امنیت اقتصادی با مقدار ۰/۲۱۱ بیشترین تأثیر مستقیم را بر اعتماد اجتماعی دارد. حسن این پژوهش پرداختن به ابعاد متغیر وابسته احساس امنیت (احساس امنیت عمومی، احساس امنیت سیاسی، احساس امنیت اقتصادی و احساس قضایی) است که به خوبی آن را

تفسیر و تبیین کرده است. مورد استفاده محقق از پژوهش مزبور، ایده گرفتن از روش تحقیق خواهد بود.

عنایت و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در میان جوانان ۱۵ - ۲۹ سال ساکن شهرهای شیراز و یاسوج» به بررسی اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد کمی و به روش پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش جوانان (۱۵ - ۲۹) ساله ساکن شهرهای شیراز و یاسوج، حجم نمونه ۲۹۵ به ترتیب ۶۰۰ و ۳۵۰ نفر و به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی سهمیه‌ای و تصادفی می‌باشد. براساس نتایج پژوهش، پاسخ‌گویان شهر یاسوج، اعتماد و احساس امنیت بیشتری (در همه ابعاد دو متغیر) از ساکنان شهر شیراز داشتند. علاوه بر این، نتایج آنالیز کوواریانس نشان داد احساس امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان بیشتر تحت تأثیر اعتماد قرار دارد تا محل سکونت آنان. همچنین، اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و نهادی، هر دو موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شوند؛ اما تأثیر اعتماد نهادی بر افزایش احساس امنیت سیاسی و قضایی چندین برابر تأثیر اعتماد تعمیم‌یافته است. نهایتاً اینکه میزان احساس امنیت عمومی و اقتصادی به همان اندازه اعتماد نهادی، تحت تأثیر اعتماد تعمیم‌یافته قرار دارد. این مقاله از حیث مبانی نظری ناقص بوده، تنها از یک نظریه برای متغیر مستقل استفاده شده و برای متغیر وابسته احساس امنیت نظریه‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است. در این پژوهش از شاخص‌های متغیرهای احساس امنیت بهره گرفته می‌شود.

با توجه آنچه گذشت، ضمن توجه به متغیرهای ملحوظ در تحقیقات قبلی، در این تحقیق می‌خواهیم احساس امنیت فرهنگی را با اعتماد بین شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی مورد سنجش قرار دهیم که در تحقیقات قبلی صورت گرفته به آن پرداخته نشده است. علاوه بر این جنبه نوآوری تحقیق حاضر از آن جهت است که رابطه احساس امنیت با اعتماد اجتماعی برای اولین بار در شهر بیرجند مورد بررسی قرار گرفته است.

۲.۲. چارچوب نظری پژوهش

در بررسی ادبیات جامعه‌شناختی مفهوم اعتماد به سه رهیافت فکری جامع دست می‌یابیم: نخست اینکه اعتماد، به منزله ویژگی فردی افراد است؛ دومین رهیافت اینکه اعتماد به منزله

عاملی در ارتباطات اجتماعی و نهایتاً اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی با تأکید بر رفتار مبنی بر تعاملات و سوگیریها در سطح فردی، مفهوم سازی شده است (میسیتال،^۱ ۱۹۹۷: ۱۹). در واقع نخستین رهیافت بر احساسات و ارزش های فردی تأکید دارد و اعتماد را به عنوان یک امر فردی و شخصیتی، بررسی می کند (آل پورت،^۲ ۱۹۶۱: ۷۶). در دومین رهیافت، اعتماد بیش تر در جایگاه یک ویژگی اجتماعی تلقی می شود و بنابراین در کالبد نهادی جامعه عملی می گردد و بیش تر جنبه جامعه شناختی پیدا می کند. اعتماد، در این دیدگاه در جایگاه یک امر اجتماعی تلقی می شود که برای دستیابی به اهداف سازمانی استفاده می شود (نیوتن،^۳ ۲۰۰۲: ۲۷). رهیافت سوم، با رویکردی تأکیدی به مشخصات اجتماعی، در نقطه مقابل رهیافت روان شناسانه و فردگرایانه قرار می گیرد. طبق این دیدگاه، اعتماد بیش تر از آنکه وابسته به ویژگی های درونی افراد باشد، ریشه در روابط اجتماعی و یا ساخت این گونه روابط دارد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۴۰).

دیدگاه جامعه شناس بریتانیایی آنتونی گیدنز، هر دو وجه جامعه شناسی و روان شناسی را به صورت توأمان در تبیین اعتماد اجتماعی به کار گرفته است. مهم ترین خصلت آرای گیدنز تلفیق سطح خرد و کلان و نیز ویژگی تحلیل الگوهای اعتماد در دوران ماقبل مدرن و مابعد مدرنیته و چگونگی سازوکار تغییر آن می باشد. به عقیده وی پویایی مدرنیته سه سرچشمه مهم دارد: جدایی زمان و مکان، تحول مکانیسم های از جا کندگی و تخصیص بازاندیشانه (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۳). از نظر گیدنز اعتماد در جوامع ماقبل نوین از اهمیت کم تری در مقایسه با جوامع نوین برخوردار است؛ چرا که افراد هرچه فاصله زمانی - مکانی بیش تری از هم داشته باشند، به اعتماد بیش تری نیاز خواهند داشت. در جوامع ماقبل نوین که خصلتی محلی و بومی دارند و کنش های متقابل بیش تر در سطح محلی و رو در رو رخ می دهند، در روابط اجتماعی افراد چنان صراحت و شفافیتی به چشم می خورد که نیازی به اعتماد ندارند؛ زیرا این اعتقاد به طور طبیعی وجود دارد؛ اما در جوامع بزرگ و گسترده که روابط اجتماعی در فاصله زمانی و مکانی بسیار دوری انجام می گیرد و افراد درگیر این روابط کم تر با یکدیگر روابط چهره به چهره دارند، به اعتماد از طریق

1. Misztal

2. Allport

3. Newton

نظام‌های پولی و حقوقی بسیار نیازمند هستند (ریترز، ۱۳۸۶: ۷۶۷). گیدنز در مباحث خویش بین دو نوع اعتماد تمایز قائل می‌شود: اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی که در برگیرنده آگاهی از مخاطره و فرد مورد اعتماد است. لذا درحالی که کنشگر می‌تواند به راحتی در مورد میزان ارزش اعتماد به افراد خاص قضاوت کند، می‌تواند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به دیگران تعمیم‌یافته نیز دارای ایده‌ها و باورهایی باشد. افراد همچنین می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها نیز دارای باورهایی باشند. از این فرآیند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد؛ یعنی ممکن است کنشگر از فردی که اتومبیل یا خانه او را ساخته، شناختی نداشته باشد؛ ولی نسبت به نظارت و کنترل کیفیت، دارای میزانی از اعتماد باشد (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

بوزان نظریه خود را در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس با مفهوم بین‌الذهنی امنیت (احساس امنیت) آغاز کرده است. وی با تمرکز بر بعد احساس امنیت معتقد است اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است ناشی از این حقیقت است که آنان در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و تأکید می‌کند اگر رابطه دوله امنیت فرد و دولت به عنوان وضعیت انسانی تلقی شود، آنگاه اتباع دولت با تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم دولت روبه‌رو می‌شوند و در نهایت می‌گویند: «تهدیدهای موجود در جامعه به اشکال متنوعی رخ می‌دهد که سه (چهار) نوع هستند: تهدیدهای فیزیکی (درد، صدمه، مرگ)، تهدیدهای اقتصادی (تصرف و تخریب اموال، محرومیت از دستیابی به مشاغل یا منافع)، تهدید حقوقی (زندانی شدن و محرومیت از آزادی‌های مدنی) و تهدید موقعیت و مناصب (تنزل رتبه یا تحقیر عمومی)» (بوزان، ۱۳۸۹: ۵۴). امنیت در دیدگاه بوزان دارای پنج بخش بوده و امنیت اجتماعی تنها یکی از بخش‌های پنج بعدی رویکرد امنیت او به شمار می‌آید. دیگر قسمت‌های این رویکرد عبارت‌اند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی. به‌طور کلی امنیت نظامی به قدرت‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه و همچنین برداشتهایی که دولت‌ها از مقاصد همدیگر دارند مربوط می‌شود. امنیت سیاسی مراقب بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و

ایدئولوژی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع مالی و بازارهای ضروری برای حفظ قابل قبول از رفاه و اقتدار دولت و امنیت اجتماعی شایستگی حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی که با شرایط قابل قبولی از تغییر مرتبط است. امنیت زیست محیطی بر محافظت جهانی به عنوان سیستم حمایت اساسی که کلیه زیست بشری بدان متکی است، ناظر است. این پنج قسمت به صورت مجزا از یکدیگر عمل نمی‌کنند. هر کدام از آن‌ها جایگاهی در درون مسئله امنیت و شیوه‌ای برای سازمان‌دهی اولویت‌ها داشته و از روش ارتباط‌های محکم به همدیگر وابستگی دارند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

کلینگ و ویلسون (۱۹۸۲) در مقاله‌ای کوتاه با مطرح کردن پنجره شکسته، تلاش کرده‌اند انحرافات اجتماعی را بر اساس بی‌سازمانی اجتماعی تبیین کنند (کلینگ و ویلسون، ۱۹۸۲: ۳۰). آن‌ها اعتقاد دارند بی‌نظمی و جرم رابطه بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند و معتقدند، اگر شیشه یک ساختمان شکسته شود و به سرعت جایگزین نشود، بعضی احتمال دارد احساس کنند این ساختمان رها شده و در حال خراب شدن است و به زودی همه شیشه‌های آن ساختمان هم شکسته می‌شود، برای اینکه مجرمان گمان می‌کنند این ساختمان اهمیتی ندارد. به تازگی بعد از ساختمان مورد نظر نوبت به خیابانی که این ساختمان در آن قرار دارد و سپس به شهر می‌رسد (کلینگ و ویلسون، ۱۹۸۲: ۳۱). انگاره اساسی نظریه پنجره شکسته این است که برعکس آن چیزی که تصور می‌شود که جرم سبب بی‌نظمی و فساد خواهد شد، بی‌نظمی سبب ازدیاد جرم و احساس ناامنی می‌شود. سازوکار اثرگذاری هم به این شیوه است که بی‌نظمی، سبب می‌گردد شهروندان گرفتار هراس شده و حس کنند که کنترل اجتماعی در محله یا همسایگی، شکسته شده است. این حس سبب می‌گردد هر چه بیشتر از اجتماع اجتناب ورزند. این جریان سبب می‌گردد کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش پیدا کند. کاهش کنترل اجتماعی غیررسمی هم به جای خود سبب می‌گردد بی‌نظمی بیشتر رخ دهد. سرانجام، وضعیتی پیش خواهد آمد که در خلال آن مجرمان حس می‌کنند به سبب ضعف کنترل اجتماعی، امکان دست‌گیر شدنشان کمتر است و دست به رفتارهای مجرمانه خواهند زد (کلینگ و ویلسون، ۱۹۸۲: ۳۲)؛ بنابراین می‌توان محتوای این نظریه را در دو موضوع دنبال کرد:

الف. نقش پلیس در مقابله با جرائم خرد

نقش ذاتی و اصلی پلیس برقراری نظم عمومی است و سایر وظایف نظیر وظایفی که در خصوص کشف جرائم مهم انجام می‌دهد و برخی اقدامات قضائی که به پلیس محول می‌شود، در واقع وظایف ثانویه پلیس هستند. در مورد نظم عمومی و مقابله با جرائم خرد پلیس محلی یا پلیس انتظامی نقش اساسی را بر عهده دارد.

ب. رابطه نظم عمومی و حفظ امنیت

درواقع مهم‌ترین نکته‌ای که پنجره شکسته بر آن تأکید دارد این است که مقدمه ایجاد حفظ امنیت شهروندان و حفظ نظم عمومی است و بی‌نظمی باعث افزایش جرائم می‌شود. در واقع بی‌نظمی اولین پله یک‌روند زوال و سقوط است که منجر به ناامنی و عدم اعتماد اجتماعی شهروندان می‌شود و مقابله با بی‌نظمی و جرائم خرد در خیابان‌ها سبب می‌شود که آمار کلیه جرائم کاهش یابد (نوروزی، ۱۳۸۴: ۶۵-۷۵).

محقق در این پژوهش مسئله را براساس نظریه‌های باری بوزان، آنتونی گیدنز، جیمز ویلسون و جورج ال کلینگ که مبنای استخراج فرضیات و چارچوب نظری این پژوهش را شکل می‌دهند، مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد.

متغیر اعتماد اجتماعی توسط نظریه گیدنز قابل‌سنجش است. بر مبنای این نظریه متغیر اعتماد اجتماعی به سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی تبدیل شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبق این تئوری، اعتماد اجتماعی موجب تعاملات اجتماعی، همکاری و همیاری میان اعضای جامعه گردیده، جامعه را در وصول به هدف مشترک و انسجام اجتماعی یاری می‌کند و در صورت ضعف آن، انسجام اجتماعی در معرض خطر قرار گرفته، منجر به ازهم‌گسیختگی جامعه می‌گردد.

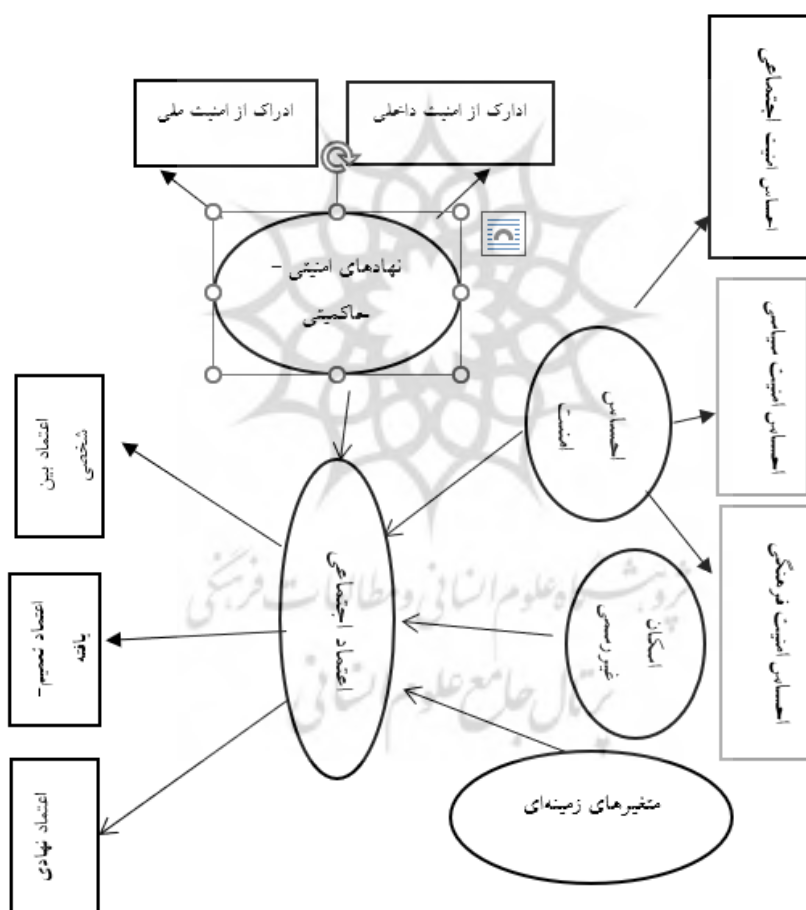
متغیر احساس امنیت توسط نظریه بوزان قابل‌سنجش است. با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده، می‌توان احساس امنیت را به‌عنوان مجموعه‌ای متشکل از سه بعد احساس امنیت فرهنگی، احساس امنیت سیاسی و احساس امنیت اجتماعی مورد بررسی قرار داد. این شاخص‌بندی مبین این است که عوامل گوناگونی امنیت فرد را در جامعه تهدید می‌کنند. طبق این تئوری‌ها اکثر

تهدیدات بر علیه ارزش‌ها و هویت گروه‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد. بدین جهت هر عامل و پدیده‌ای که سبب ایجاد بی‌نظمی در احساس تعلق و همبستگی اعضاء یک گروه گردد در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌گردد. به عبارت دیگر اغلب تهدیداتی که متوجه انسان می‌شود به این علت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط فراهم‌کننده انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که در نتیجه افزایش تهدیدها احساس امنیت کاهش یافته و به عبارتی ترس از دیگران موجب بی‌اعتمادی به آن‌ها می‌شود.

متغیرهای مستقل نهادهای امنیتی - حاکمیتی و اسکان غیررسمی توسط نظریه ویلسون و کلینگ قابل سنجش است. بر مبنای این نظریه متغیر نهادهای امنیتی - حاکمیتی به شاخص‌های ادراک از امنیت داخلی (نقش نیروی انتظامی)، ادراک از امنیت ملی (نقش سپاه، نقش ارتش) تبدیل شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبق این تئوری بی‌نظمی باعث ازدیاد جرم و احساس ناامنی شده و سبب می‌گردد شهروندان گرفتار هراس شده و حس کنند که کنترل اجتماعی در محله یا همسایگی، شکسته شده است. این حس سبب می‌گردد هر چه بیشتر از اجتماع اجتناب ورزند. در واقع بی‌نظمی اولین پله یک روند زوال و سقوط است که منجر به ناامنی و عدم اعتماد اجتماعی شهروندان می‌شود و مقابله با بی‌نظمی و جرائم خرد در خیابان‌ها سبب می‌شود آمار کلیه جرائم کاهش یافته و اعتماد اجتماعی افزایش یابد.

سرمایه اجتماعی که زمینه‌ساز تعاون، همکاری، اعتماد و مشارکت فعال در زندگی اجتماعی است و در بستری از روابط متقابل اجتماعی شکل می‌گیرد، می‌تواند نشأت گرفته از احساس آرامش و امنیت در جامعه باشد (لیندستروم، ۲۰۰۳: ۱۱۱۶). به اعتقاد پاتنام بی‌اعتمادی، گرایش احساسی است که تحت تأثیر حالات انعکاسی در قربانیان جرم‌ها و خشونت‌ها و فقر بروز می‌کند. این دیدگاه شباهت زیادی به دیدگاه پترسون دارد؛ طبق تحلیل وی رابطه نسبتاً شدیدی میان طبقه و نژاد اشخاص و میزان اعتماد آن‌ها وجود دارد و به اعتقاد او اضطراب و ناامنی تحت تأثیر این تفکیک، قوی‌ترین نیروی تحریک کننده بی‌اعتمادی است. احساس امنیت، فضایی را ایجاد می‌کند که فرد بتواند در سایه اعتماد اجتماعی گسترش یافته در سطح جامعه با انگیزه و

تلاش بیشتری به کار و فعالیت پردازد. در واقع اعتماد اجتماعی برخاسته از احساس امنیت بر کلیه ابعاد زندگی انسان تأثیرگذار بوده، بی‌اعتمادی ناشی از آن موجب اختلال در نظم اجتماعی و جریان کنش اعضای جامعه می‌شود (یاری و هزارجریبی، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۸)؛ بنابراین احساس امنیت، فرد را از نگرانی‌ها و اضطراب‌ها نجات می‌دهد و به او حس اعتماد و اطمینان می‌بخشد. بر این اساس هر قدر احساس امنیت در جامعه بیشتر باشد به همان اندازه اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد.



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

۳.۲. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بین احساس امنیت اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد بین احساس امنیت فرهنگی و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین احساس امنیت سیاسی و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین ادراک از امنیت داخلی و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد بین ادراک از امنیت ملی و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است.

فرضیه ۶: به نظر می‌رسد بین اسکان غیررسمی داشتن و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است.

۴.۲. روش پژوهش

این پژوهش به شیوه پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری آن شامل کلیه شهروندان ۱۵ تا ۶۵ سال شهر بیرجند می‌باشد و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر، بوده و به صورت جدول زیر در دو منطقه شهر بیرجند توزیع گردیده است.

جدول ۱. تقسیم‌بندی مناطق شهر بیرجند

مناطق	تعداد جمعیت در سال ۱۳۹۵	تعداد جمعیت مرد	تعداد جمعیت زن	تعداد خانوار	تعداد نمونه
منطقه ۱	۸۸۲۷۰	۴۵۱۲۴	۴۳۱۴۶	۲۴۸۲۳	۱۶۶
منطقه ۲	۱۱۵۳۶۶	۵۷۲۷۵	۵۸۰۹۱	۳۲۹۲۲	۲۱۸

روش نمونه‌گیری ترکیبی از روش طبقه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده می‌باشد. نمونه‌گیری طبقه‌بندی وقتی به کار می‌رود که جامعه آماری دارای ساخت همگن و متجانس نبوده و از اجزاء گوناگون تشکیل شده باشد. در چنین مواردی می‌بایست جامعه به طبقاتی تقسیم شود که هر یک از آن‌ها دارای ساخت متجانسی باشند و سپس از هر طبقه (به صورت یک جامعه آماری خاص) یک نمونه گرفت (رفیع‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳۸۹)؛ و در یک نمونه‌گیری تصادفی ساده هر یک از واحدها مورد بررسی دارای شانس یا امکان مساوی برای انتخاب شدن به عنوان نمونه می‌باشند (اتسلندر، ۱۳۷۱: ۲۶۰). بر این اساس در این پژوهش جهت نمونه‌گیری، در مرحله اول شهر بیرجند به دو منطقه (۱ و ۲) تقسیم شده است. این مناطق دارای ۸ ناحیه می‌باشند که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده از همه ناحیه‌ها نمونه انتخاب شده است. از آنجاکه هرکسی در ناحیه‌ای زندگی می‌کند از شانس برابری برای انتخاب شدن در نمونه نهایی برخوردار است. سپس با استفاده از نقش‌های سرشماری فهرست بلوک‌های هر ناحیه منتخب را تهیه کرده، نمونه‌ای تصادفی از بلوک‌های هر ناحیه انتخاب شده است. در ادامه از فهرست خانوارهای هر بلوک نمونه‌ای تصادفی از خانوارهای هر بلوک انتخاب گردید و با تقسیم حجم جمعیت بر حجم نمونه هر منطقه، تعداد پرسش‌نامه‌هایی که باید در هر منطقه تکمیل شود مشخص گردید. جمع‌آوری اطلاعات از طریق تکنیک پرسشنامه محقق ساخته انجام گرفته که روائی آن از طریق روائی صوری و سازه (تحلیل عاملی تأییدی) و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ طبق جدول ذیل، حاصل گردیده است.

جدول ۲. اعتبار ابزار سنجش برحسب آلفای کرونباخ

ردیف	متغیر	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفا
۱	اعتماد اجتماعی	۲۲	۰/۹۳۹
۲	احساس امنیت	۲۳	۰/۷

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. یافته‌های توصیفی

یافته‌ها در بخش ویژگی‌های عمومی پاسخگویان نشان می‌دهد ۵۲.۶ درصد نمونه تحقیق را مردان و ۴۷.۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ۶۱.۹ درصد حجم نمونه، مربوط به گروه سنی ۱۵-۳۵ سال، ۳۴ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۴۲.۱ درصد کمتر از یک میلیون تا سه میلیون درآمد دارند. جدول شماره ۳ توصیف وضعیت اعتماد اجتماعی را در سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی و نیز توصیف وضعیت احساس امنیت در سه بعد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نشان داده است. نتایج جدول مزبور نشان‌دهنده آن است که هنوز اعتماد بین فردی در شهر بیرجند وضعیت مناسبی دارد، درحالی‌که وضعیت اعتماد تعمیم‌یافته چندان مناسب نیست. همچنین به لحاظ احساس امنیت، وضعیت احساس امنیت سیاسی نسبت به احساس امنیت اجتماعی و فرهنگی مناسب‌تر است.

جدول ۳. توزیع فراوانی متغیرهای پژوهش

متغیر/ شاخص‌ها	میزان	کم	متوسط	زیاد	جمع کل
اعتماد بین شخصی	فراوانی	۸۷	۱۲۸	۱۵۹	۳۸۴
	درصد	۲۲/۵	۳۶	۴۱/۵	۱۰۰
اعتماد تعمیم‌یافته	فراوانی	۲۵۸	۹۸	۲۸	۳۸۴
	درصد	۶۷/۲	۲۵/۵	۷/۳	۱۰۰
اعتماد نهادی	فراوانی	۱۳۰	۱۳۱	۱۲۳	۳۸۴
	درصد	۳۴	۳۴/۲	۳۱/۸	۱۰۰
احساس امنیت فرهنگی	فراوانی	۲۹۳	۷۲	۱۹	۳۸۴
	درصد	۷۶/۳	۱۸/۷	۵٪	۱۰۰
احساس امنیت اجتماعی	فراوانی	۲۲۹	۷۹	۷۶	۳۸۴
	درصد	۵۹/۶	۲۰/۶	۱۹/۸	۱۰۰
احساس امنیت سیاسی	فراوانی	۱۵۹	۱۱۷	۱۰۷	۳۸۳
	درصد	۴۱/۵	۳۰/۶	۲۷/۹	۱۰۰

۲.۳. یافته‌های استنباطی

۱.۲.۳. آزمون فرضیه‌های پژوهش

۲.۳.۱. ۱.۱. رابطه متغیرهای مستقل و اعتماد اجتماعی در شهروندان شهر بیرجند

به نظر می‌رسد بین احساس امنیت و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است. نتایج به دست آمده در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، رابطه بین احساس امنیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با اعتماد اجتماعی معنادار است؛ در بین این سه متغیر، میزان ضریب همبستگی احساس امنیت سیاسی از بقیه بیشتر و برابر $0/490$ می‌باشد که بدان معنی است که به ازای یک واحد تغییر در احساس امنیت سیاسی، اعتماد اجتماعی به میزان $0/490$ واحد افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه نخست این مقاله تأیید می‌شود.

به نظر می‌رسد بین ادراک از امنیت داخلی و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است.

به نظر می‌رسد بین ادراک از امنیت ملی و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است.

نتایج به دست آمده در جدول شماره ۴ نشان از تأیید هر دو فرضیه دارد. آن گونه که پیداست مقدار ضریب همبستگی بین ادراک از امنیت ملی و اعتماد اجتماعی بیشتر از مقدار ضریب همبستگی، بین ادراک از امنیت داخلی و اعتماد اجتماعی و برابر $0/480$ می‌باشد. این میزان بدان معنی است که به ازای هر واحد تغییر در ادراک از امنیت ملی، اعتماد اجتماعی به میزان $0/480$ واحد افزایش می‌یابد.

به نظر می‌رسد بین اسکان غیررسمی داشتن و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بیرجند، رابطه معناداری برقرار است. نتایج جدول شماره ۴ نیز حکایت از تأیید فرضیه دارد؛ با این توضیح که رابطه مزبور معکوس است و بدان معنی است که هر چه سکونت در مناطق حاشیه‌ای بیشتر شود، اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد.

جدول ۴. رابطه بین «احساس امنیت» و «اعتماد اجتماعی»

نام متغیر و ابعاد آن	ضریب همبستگی	سطح معناداری
احساس امنیت سیاسی	۰/۴۹۰	۰/۰۰۰
احساس امنیت فرهنگی	۰/۲۳۹	۰/۰۰۰
احساس امنیت اجتماعی	۰/۱۱۳	۰/۰۲۷
ادراک از امنیت داخلی	۰/۴۵۹	۰/۰۰۰
ادراک از امنیت ملی	۰/۴۸۰	۰/۰۰۰
اسکان غیررسمی داشتن	-۰/۲۵۰	۰/۰۰۰

۳.۲.۲. آزمون مدل پژوهش

۳.۲.۲.۱. تحلیل رگرسیون چندگانه

برای هر کدام از مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی تحلیل رگرسیون جداگانه صورت گرفته است. جدول شماره ۵ نتایج تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل را با اعتماد اجتماعی نهادی نشان می‌دهد. آن گونه که پیداست، غیر از متغیرهای، اسکان غیررسمی داشتن، ادراک از امنیت ملی و درآمد ماهیانه، بقیه متغیرها، شامل احساس امنیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، ادراک از امنیت داخلی و سن بر اعتماد نهادی تأثیرگذارند و تغییرات آن را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. البته در این میان، ضریب رگرسیونی متغیر ادراک از امنیت داخلی بیشتر است که نشان از تأثیر تعیین‌کننده آن بر اعتماد نهادی است. در مجموع، ۳۷ درصد از تغییرات اعتماد نهادی با متغیرهای شامل احساس امنیت اجتماعی، احساس امنیت سیاسی، احساس امنیت فرهنگی، ادراک از امنیت داخلی و سن قابل تبیین می‌باشد.

جدول ۵. تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و اعتماد اجتماعی نهادی

متغیرهای معرفی شده به مدل	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	ضریب رگرسیون استاندارد شده	سطح معنادار ی	مقدار f	سطح معنادار ی مدل	ضریب تعیین تعدیل یافته	۳
ثابت	۳/۴۶۳		۰/۰۰۰				
احساس امنیت اجتماعی	۰/۳۱۲	۰/۳۳۶	۰/۰۰۰	۳۲۹ ۱۴	۰/۴۰۴	۰/۳۷۶	

ضرب تعین تعدیل یافته	ضرب تعین رگرسیون	سطح معنادار ی مدل	مقدار f	سطح معنادار ی	ضرب رگرسیون استاندارد شده	ضرب رگرسیون استاندارد نشده	متغیرهای معرفی شده به مدل	ت
				۰/۰۰۰	۰/۳۱۲	۰/۳۱۱	احساس امنیت سیاسی	
				۰/۰۵۰	۰/۱۳۰	۰/۱۵۳	احساس امنیت فرهنگی	
				۰/۰۰۰	۰/۳۵۹	۰/۴۰۴	ادراک از امنیت داخلی	
				۰/۱۸۷	-۰/۰۸۹	-۰/۱۰۱	اسکان غیررسمی	
				۰/۰۰۵	-۰/۱۸۷	-۰/۰۱۴	سن	
				۰/۷۴۴	-۰/۰۲۲	-۱/۲۹۱	درآمد	

جدول ۶، نتایج تحلیل رگرسیون همان متغیرهای مندرج در جدول قبلی را بر اعتماد اجتماعی تعمیم یافته نشان می دهد. آن گونه که پیداست، غیر از احساس امنیت اجتماعی بقیه متغیرها شامل: احساس امنیت سیاسی، احساس امنیت فرهنگی، ادراک از امنیت ملی، ادراک از امنیت داخلی و اسکان غیررسمی داشتن بر اعتماد تعمیم یافته تأثیری معنی دار دارند و می توانند تغییرات آن را تبیین و پیش بینی کنند. در این میان ضریب رگرسیونی متغیر احساس امنیت سیاسی و ادراک از امنیت ملی، بیشتر از بقیه است که نشان از تأثیر تعیین کننده آن بر اعتماد تعمیم یافته است. در مجموع، ۴۶ درصد از تغییرات اعتماد تعمیم یافته با متغیرهای احساس امنیت سیاسی، احساس امنیت فرهنگی، ادراک از امنیت ملی، ادراک از امنیت داخلی و اسکان غیررسمی داشتن قابل تبیین می باشد.

جدول ۶. تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته

ردیف	متغیرهای معرفی شده به مدل	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	ضریب رگرسیون استاندارد شده	سطح معناداری	مقدار f	سطح معناداری مدل	ضریب تعیین رگرسیون	ضریب تعیین تعدیل یافته
	ثابت	۲/۹۲۵		۰/۰۰۰				
	احساس امنیت اجتماعی	۰/۰۲۹	۰/۰۲۶	۰/۵۱۶				
	احساس امنیت سیاسی	۰/۴۶۳	۰/۳۷۹	۰/۰۰۰				
	احساس امنیت فرهنگی	۰/۱۹۰	۰/۱۴۳	۰/۰۰۰	۵۴/۹۸۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷	۰/۴۵۹
	ادراک از امنیت داخلی	۰/۱۷۱	۰/۱۴۱	۰/۰۰۴				
	ادراک از امنیت ملی	۰/۳۲۹	۰/۲۴۴	۰/۰۰۰				
	اسکان غیررسمی	-۰/۱۳۴	-۰/۱۰۱	۰/۰۱۰				

جدول شماره ۷. نتایج تحلیل رگرسیون همان متغیرهای مندرج در جدول قبلی را بر اعتماد اجتماعی بین شخصی نشان می‌دهد. آن‌گونه که پیداست، غیر از احساس امنیت سیاسی، سن و وضعیت اشتغال بقیه متغیرها تأثیر معنی‌داری بر اعتماد بین شخصی ندارند و نمی‌توانند تغییرات آن را تبیین و پیش‌بینی کنند. این نتیجه با توجه به فرهنگ بومی منطقه کاملاً سازگار و نشان‌دهنده جایگاه بلند خانواده و خویشاوندی در آن است. مردم خانواده را هنوز با هیچ مسئله خارج از چارچوب خانواده مقایسه نمی‌کنند.

جدول ۷. تحلیل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و اعتماد اجتماعی بین شخصی

مدل	متغیرهای معرفی شده به مدل	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	ضریب رگرسیون استاندارد شده	سطح معناداری	مقدار f	سطح معناداری مدل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یا فته
	ثابت	۳/۶۱۰		۰/۰۰۰	۲/۷۷۸		۰/۰۹۴	۰/۱۴۶
	احساس امنیت اجتماعی	۰/۰۴۶	۰/۰۵۳	۰/۵۲۵				
	احساس امنیت سیاسی	۰/۱۶۲	۰/۱۷۳	۰/۰۳۵				
	احساس امنیت فرهنگی	۰/۱۰۴	۰/۰۹۵	۰/۲۹۱				
	ادراک از امنیت داخلی	۰/۱۱۱	۰/۱۰۵	۰/۲۴۹				
	ادراک از امنیت ملی	۰/۱۱۲	۰/۰۹۸	۰/۳۰۸				
	اسکان غیررسمی	-۰/۰۴۰	-۰/۰۳۸	۰/۶۴۴				
	سن	-۰/۰۱۶	-۰/۲۲۰	۰/۰۰۸				
	وضعیت اشتغال	-۴/۵۴۵	-۰/۱۶۱	۰/۰۴۶				
	درآمد ماهانه	-۲/۳۴۲	-۰/۰۰۴	۰/۹۵۸				

۲.۲.۲.۳. تحلیل مسیر

۱. ۲. ۲. ۲. ۳. اولویت‌بندی متغیرهای مؤثر بر اعتماد اجتماعی

بر اساس نتایج تحلیل مسیر منعکس شده در جدول شماره ۸، می‌توان متغیرهای مستقل را از نظر میزان تأثیر بر اعتماد اجتماعی، اولویت‌بندی کرد. اولین متغیری که بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی دارد «احساس امنیت سیاسی» با حدود ۱۰ درصد است؛ دومین متغیر «ادراک از امنیت داخلی» با ۵ درصد، سومین متغیر «احساس امنیت اجتماعی» با حدود ۴ درصد، چهارمین متغیر «سن» با حدود ۴ درصد و آخرین متغیری که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اعتماد اجتماعی دارد، «ادراک از امنیت ملی» با ۲ درصد است. در مجموع پنج متغیر مذکور مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متغیرها بر اعتماد اجتماعی محسوب می‌شوند.

جدول ۸. ماتریس اثرات متغیرهای مستقل بر اعتماد اجتماعی

ردیف	مسیر	اثر مستقیم	اثر خالص	مجذور اثر خالص	سطح معناداری
۱	احساس امنیت سیاسی ← اعتماد اجتماعی	۰/۳۳۲	۰/۳۱۲	۹/۷	۰/۰۰۰
۲	احساس امنیت فرهنگی ← اعتماد اجتماعی	۰/۰۷۵	۰/۰۶۸	۰/۴	۰/۲۹۶
۳	احساس امنیت اجتماعی ← اعتماد اجتماعی	۰/۲۱۲	۰/۱۹۶	۳/۸	۰/۰۰۳
۲	اسکان غیررسمی ← اعتماد اجتماعی	-۰/۱۱۳	-۰/۱۰۳	-۱	۰/۰۹۹
۳	ادراک از امنیت داخلی ← اعتماد اجتماعی	۰/۲۶۸	۰/۲۲۷	۵/۱۵	۰/۰۰۱
۴	ادراک از امنیت ملی ← اعتماد اجتماعی	۰/۱۹۵	۰/۱۴۹	۲/۲۲	۰/۰۰۰
۵	سن ← اعتماد اجتماعی	-۰/۲۰۵	-۰/۱۹۲	۳/۷	۰/۰۰۳
۶	درآمد ماهانه ← اعتماد اجتماعی	-۰/۰۱۱	-۰/۰۱۱	-	۰/۸۷۰

۳.۲.۳. شاخص‌های برازش مدل

براساس نتایج جدول شماره ۹، بین باقیمانده‌های متغیرهای مستقل با اعتماد اجتماعی همبستگی وجود ندارد، لذا می‌توان مدل پژوهش را خوب ارزیابی کرد.

جدول ۹. میزان همبستگی باقیمانده‌های متغیرهای مستقل با اعتماد اجتماعی

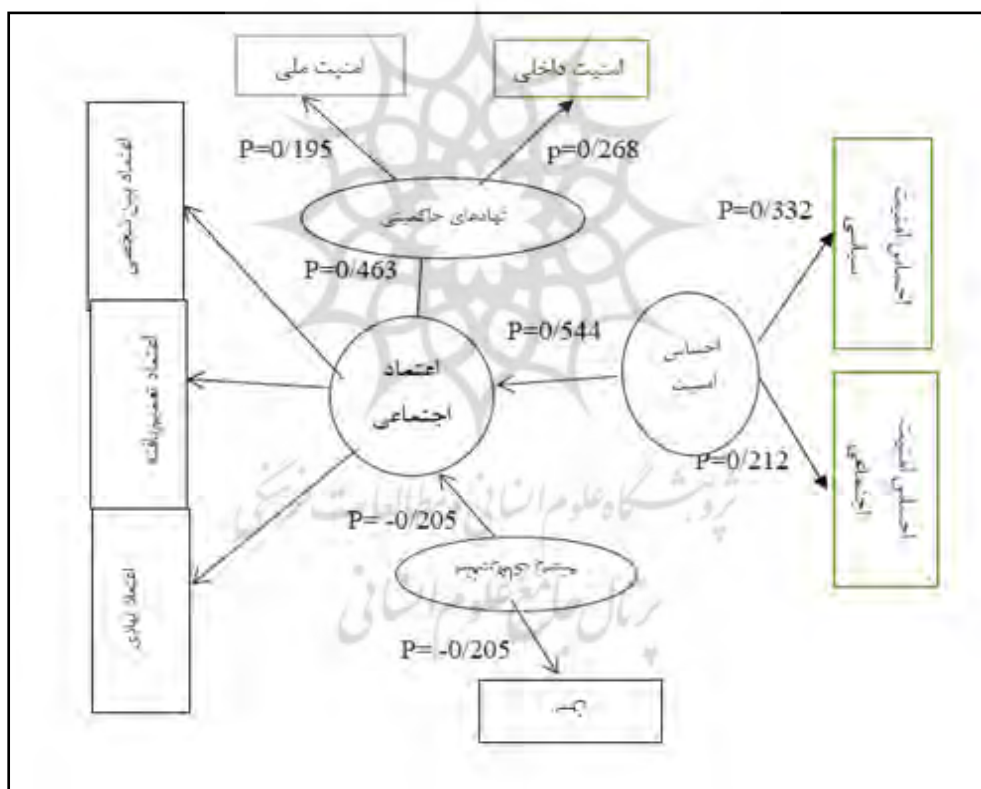
مقدار دوربین واتسون	اعتماد اجتماعی	ردیف
۲/۰۶۷	احساس امنیت سیاسی	
	احساس امنیت اجتماعی	
	احساس امنیت فرهنگی	۱
	ادراک از امنیت ملی	۲
	ادراک از امنیت داخلی	۳
	اسکان غیررسمی	۴

نتایج جدول شماره ۱۰ نیز نشان می‌دهد دامنه شاخص KMO، برابر ۰/۸۵۵ و نزدیک به یک می‌باشد، این بدان معناست که متغیرهای سنجیده شده برای تحلیل عامل مناسب هستند و در

آزمون کرویت بارتلت - مقدار chi square با توجه به سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده این است که نتایج تحلیل عامل قابل تعمیم به جامعه آماری است.

جدول ۱۰. شاخص‌های برازش مدل

ردیف	شاخص	نتایج
۱	مقدار KMO	۰/۸۵۵
۲	آزمون بارتلت - chi square	۱۵۹۳۸/۲۶۴
۳	درجه آزادی df	۲۸۵۰
۴	سطح معناداری	۰/۰۰۰



شکل ۲- مدل تجربی پژوهش

۴. نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان داد، میزان اعتماد اجتماعی در شهر بیرجند در حد مناسبی (۵۰/۶) قرار ندارد. براساس یافته‌ها اعتماد بین شخصی نسبت به دو بعد دیگر اعتماد، وضعیت بهتری دارد که نشان‌دهنده جایگاه بلند خانواده و خویشاوندی در استان است. براساس نتایج مزبور هنوز مردم خانواده را با هیچ مسئله خارج از چارچوب خانواده، مقایسه نمی‌کنند. آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد، احساس امنیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تأثیر مثبت و معناداری بر اعتماد اجتماعی دارند. به طوری که هر چه احساس امنیت افزایش یابد، اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد. نتیجه ذکر شده با یافته‌های امیری شیراز و دیگران (۱۴۰۰)، یاری و هزارجریبی (۱۳۹۱) و عنایت و دیگران (۱۳۹۰) همسو است. همین‌طور نتایج نشان داد، بین اداراک از امنیت و اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و معناداری است. اما بین اسکان غیررسمی و اعتماد اجتماعی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. نتیجه مذکور بدان معنی است که هر چه سکونت در مناطق حاشیه‌ای بیش‌تر شود، اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد. با توجه به مقادیر ضریب همبستگی بیشترین همبستگی بین احساس امنیت سیاسی و اعتماد اجتماعی مشاهده گردید؛ بدین معنا که هرچه افراد در جامعه احساس امنیت سیاسی بیشتری داشته باشند، اعتماد اجتماعی در آنها افزایش می‌یابد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نیز نشان داد متغیرهای احساس امنیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ۳۷ درصد تغییرات اعتماد اجتماعی نهادی و ۴۶ درصد تغییرات اعتماد تعمیم‌یافته را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. بیشترین تأثیر در تبیین اعتماد نهادی مربوط به احساس امنیت سیاسی و بیشترین تأثیر در تبیین اعتماد تعمیم‌یافته مربوط به متغیر احساس امنیت اجتماعی می‌باشد. همچنین، براساس نتایج تحلیل مسیر اولین متغیری که بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی دارد «احساس امنیت سیاسی» است. این نتایج حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهادهای سیاسی تأثیرگذاری بر اعتماد اجتماعی مردم است. در شرایطی که اعتماد سیاسی بالا باشد، مردم از دولت و نظام سیاسی رضایت دارند و خواهان وضع موجود هستند و اگر اعتماد سیاسی مردم به دولت پایین باشد، رفتارهای مردم چندان مطابق با انتظارات و درخواست‌های دولت نخواهد بود.

طی سالیان گذشته آنقدر به خواست‌ها و نیازهای مردم این منطقه بی‌توجهی صورت گرفته که نتیجه آن ظهور پدیده ناامیدی مردم و به‌ویژه نخبگان استان از وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استان است. طبق اطلاعات موثق تقریباً اکثر نخبگان دانشگاهی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی استان به محض فراهم دیدن فرصت، اقدام به مهاجرت می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد بخش زیادی از انفعال فرهنگی استان نیز مربوط به ناامیدی و یاسی است که طی سالیان متمادی بر مردم و مدیران مستولی گشته است. مردم و به‌ویژه نخبگان تقریباً هیچ تلاشی را برای بهبود شرایط انجام نمی‌دهند؛ بلکه به محض اینکه شرایطشان مناسب‌تر شد، مهاجرت را بر ماندن ترجیح می‌دهند. نتیجه همین ناامیدی و مهاجرت‌ها به‌ویژه از روستا، پدیده حاشیه‌نشینی در شهر و به‌ویژه در مرکز استان بوده است. حقیقت آن است که ناعدالتی در توزیع امکانات در شهرها و روستاها، حاشیه‌نشینی را به وجود آورده و هم اکنون نیز بی‌تدبیری در حل معضل حاشیه‌نشینی مشکلات جدید و مازادی را به وجود می‌آورد.

کتابنامه

۱. اتسلندر، پ. (۱۳۷۱). *روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی*. (ب. کاظم‌زاده، مترجم). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی.
۲. امیرکافی، م. (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن». *نمایه پژوهشی*، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۹-۴۰.
۳. بوزان، ب. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. بوزان، ب. (۱۳۸۹). *مردم، دولت‌ها و هراس*. (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. بهزاد، د. (۱۳۸۲). *تحلیل نظری سرمایه اجتماعی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی*، فصلنامه فرهنگ کردستان، سال ۵، شماره ۱۶ و ۱۷ (پاییز و زمستان)، ۱۰۴ - ۱۲۳.
۶. پاتنام، ر. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. (م. ت. دلفروز، مترجم). تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات کشور.

۷. توفیقی نیا، ا. (۱۳۹۹). *عوامل مؤثر اجتماعی بر احساس عدالت در شهروندان شهر بیرجند*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
۸. حیدرآبادی، ا. (۱۳۸۹). *اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: جوانان ۲۰-۲۹ ساله استان مازندران)*. *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، ۱(۱). تابستان، ۳۹-۶۶.
۹. ذلفقاری، ا؛ سپهوند، ح؛ دریکوند، خ؛ و امام‌جمعه، ف. (۱۳۹۱). *عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان اعتماد اجتماعی دبیران متوسطه شهر خرم‌آباد*. *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۶ (زمستان)، ۲۴۰ - ۲۶۹.
۱۰. رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۰). *کندوکاوها و پنداشت‌ها*. چاپ یازدهم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. ریتزر، ج. (۱۳۸۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. (م. ثلاثی، مترجم). تهران: نشر علمی.
۱۲. زتومکا، پ. (۱۳۸۴). *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناسی*. (ف. گلابی، مترجم). نشر: گلابی.
۱۳. سیدزاده، ق. (۱۳۹۹). *بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر زاهدان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
۱۴. شارع‌پور، م. (۱۳۸۳). *ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن در بررسی مسائل اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۵. شارع‌پور، م. (۱۳۸۰). *فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن*. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳، ۱۰۱-۱۱۲.
۱۶. عنایت، ح؛ موحد، م؛ و حیدری، ا.ر. (۱۳۹۰). *مطالعه رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال ساکن شهرهای شیراز و یاسوج*. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۱). بهار، ۸۱-۱۰۴.
۱۷. گیدنز، ا. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص*. (ن. موفقیان، مترجم). تهران: نشرنی.
۱۸. ملکی، س؛ و شیخی، ح. (۱۳۸۸). *تحلیل و طبقه‌بندی شاخص‌ها و تعیین اولویت‌های توسعه در استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای*. *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز)*، ۱۴(۲۹). پاییز، ۶۱-۸۵.
۱۹. نظم‌فر، ح؛ عشقی چهاربرج، ع؛ و علوی، س. (۱۳۹۶). *بررسی وضعیت رقابت‌پذیری اقتصادی شهرهای ایران*. *فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، شماره ۵ (پاییز)، ۲۳-۳۸.

۲۰. نوروزی، ن. (۱۳۸۴). سیاست جنائی در جرائم خرد و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان (با تکیه بر نظریه پنجره‌های شکسته). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
۲۱. یاری، ح؛ و هزارجریبی، ج. (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱(۴)، زمستان، ۳۹ - ۵۸.

22. Allport, Gordon W. (1961). *Pattern and Growth in Personality*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
23. Putnam, Robert. (2000). *Bowling Alone: The collapse and Revival of American community*. New York: simon and schuster.
24. Lindström, M. (2003). Social capital and sense of insecurity in the neighbourhood: a population-based multilevel analysis in Malmö, Sweden. *Social Science & Medicine*, 56(5), 1111-1120.
25. Mistal, Barbara A. (1997). *Trust in Modern Societies*. Oxford: Blackwell.
26. Wilson, J. Q., & Kelling, G. L. (1982). The police and neighborhood safety: *Broken windows*. *Atlantic monthly*, 127(2), 29-38.
27. Newton, Kenneth. (2002). Social Trust and Political Disaffection Social Capital and Democracy. *EURSCO conference on social capital*: Exeter.